

خدا حافظی با یادگار واقف مشهور

موقعیت: پهنه امیریه و منیریه

موضوع: قنات

تا قبل از شروع حکومت پهلوی اول بیشتر محله‌های قدیمی مملو از باغ‌های سرسبزی بود که در مسیر قنات‌های پرآب بودند. امیریه و منیریه هم به‌عنوان دو محله قدیمی و باصالت از این قاعده پیروی می‌کردند و باغ‌های این محدوده به واسطه وجود دو قنات معروف که دست بر قضا به نام افراد مشهور سند خورده بود آبیاری می‌شد. قنات فرمانفرما، یکی از پرآب‌ترین قنات‌های تهران بود که از شمال غرب پایتخت سرچشمه می‌گرفت و در نهایت به امیریه و منیریه و خیابان معروف حشمت‌الدوله می‌رسید.



نصرالله حدادی، تهران‌پژوه، درباره مسیر عبور قنات فرمانفرما می‌گوید: «طبق اسناد مکتوب و اطلاعاتی که از سال ۱۳۳۴ به یادگار مانده، قنات فرمانفرما یا قنات کوثریه از اراضی کن سرچشمه می‌گرفت و با عبور از طرشت و عبور از تنوره آسیاب دوم فرمانفرما عمق آن زیاد می‌شد. بعد هم در امتداد خیابان شمالی طرشت با عبور از مقابل مسجد لولاگر در میدان جمهوری فعلی به خیابان پاستور فعلی می‌رسید.» قنات فرمانفرما تا ابتدای دهه ۵۰ زنده بود اما از گزند ساخت و سازها در امان نماند و به واسطه قرار گرفتن در مسیر ساخت و سازهای شهری از بین رفت. عیسی‌خان وزیر، دولتمرد نیکوکار عهد قاجار، یکی دیگر از افراد مشهوری بود که در تهران موقوفه‌های بسیاری داشت و یک قنات هم وقف آبادانی باغ‌های محدوده اطراف امیریه و منیریه کرده بود. حدادی می‌گوید: «انطور که در منابع مکتوب تاریخی آمده، قنات عیسی‌وزیر از شمال غرب تهران جاری می‌شد و از باغ‌های امیریه و منیریه عبور می‌کرد. این قنات چند مظهر داشته است. یک مظهر در مسجد میرزا عیسی وزیر در حسن‌آباد بوده و از آنجا به سمت خانه‌باغ وزیر سرازیر می‌شد و با عبور از خیابان مهدیخانی به مظهر دوم یعنی کوچه لب‌تشنه و شهید حیدری فعلی در پایین دست امیریه می‌رسید و مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت. آب این قنات در ادامه به قلعه وزیر یا «سرآب وزیر» که بعدها به سرآب وزیر معروف شد می‌رسید که مظهر آخر بود.» قنات عیسی‌وزیر بسیار زودتر از قنات فرمانفرما از بین رفت و امروز هیچ اثری از آن باقی نمانده است.



موضوع: ساختمان تاریخی انجمن مفاخر ایران

موقعیت: خیابان ولیعصر، بین خیابان بشیری و خیابان قزوین



معماری: پل

ماجرای پل و کتاب و حسینیه وزیر جنگ

برخی نیز بانی ساخت این پل را امیربهداد می‌دانند. امیربهداد از مخالفان سرسخت مشروطه بود. امیربهداد که خانه‌اش در امیریه را همچون یک حسینیه به محل برگزاری مراسم مذهبی و عزاداری‌ها اختصاص داده بود و بیشتر مهمانان هم درباریان، اشراف و رجال بودند، او در کنار جایگاه شغلی‌اش به فرهنگ و هنر نیز علاقه داشت. علاقه‌اش به فردوسی و شاهنامه باعث شد تا با هزینه شخصی کتاب چاپ سنگی شاهنامه فردوسی را آماده کند؛ کتابی با دستخط «حسین عمادالکتاب» که به شاهنامه امیربهدادی معروف است.

بناهای قاجاری است که همچنان باقی مانده و به انجمن مفاخر ایران تبدیل شده است. اهالی قدیمی امیریه نام امیربهداد را با نام پل معروف این محله به یاد می‌آورند. سال‌ها قبل در این محدوده خندق بزرگی قرار داشت که در کنارش یکی از یخچال‌های طبیعی شهر قرار گرفته بود. روی این خندق پلی ساخته شد که به پل امیربهداد معروف شد. جالب اینکه این پل بعد از تخریب همچنان نامش ورد زبان‌هاست و اهالی قدیمی آن محدوده را به نام پل امیربهداد می‌شناسند.

ساختن تاریخی انجمن مفاخر ایران روزگاری خانه حسین پاشاخان امیربهداد بود و او علاقه خاصی به خانه‌اش در محله امیریه داشت؛ خانه‌ای بزرگ با عمارت‌ها و اندرونی‌های بی‌شمار که در طول سال، مراسم روضه‌خوانی و تعزیه آنجا برگزار می‌شد. حسین پاشاخان از رجال سیاسی دوران قاجار بود. او مسئولیت کشیک‌خانه یا همان گارد سلطنتی و بعدها وزارت جنگ مظفرالدین‌شاه و بعد از آن محمدعلی‌شاه را برعهده داشت. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه درباره نقش امیربهداد در محله امیریه می‌گوید: «خانه بزرگ او از معدود

خیابان اختصاصی درباریان



موضوع: خیابان ولیعصر

موقعیت: میدان راه‌آهن تا تجریش

در نقشه نجم‌الدوله ۲ محله به نام‌های امیریه و منیریه دیده می‌شود که سال‌ها بعد هسته اصلی خیابان ولیعصر (عج) را تشکیل می‌دهند. روی کار آمدن پهلوی، ساخت جاده مخصوص به نام پهلوی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ آغاز شد. رضاشاه قصبه‌های نام‌سعدآباد را که در شمال تجریش واقع شده بود از دختر ناصرالدین‌شاه خرید و کاخ تابستانی خود را در آن بنا کرد. البته کاخ مرمر، کاخ زمستانی‌اش، همچنان در خیابان سپه باقی ماند و از آنجا که برای رفتن به شمال تهران باید از مسیرهای پراز پستی و بلندی عبور می‌کرد، تصمیم گرفت این ۲ کاخ را از طریق جاده‌ای به نام پهلوی به هم پیوند دهد. دارپوش شهبازی، تهران‌پژوه، می‌گوید: «این جاده ۱۸ کیلومتری برای عموم قابل استفاده نبود و فقط شاه و درباریان یا اعضای سفارت می‌توانستند از آن عبور کنند. سایرین باید از جاده قصران عبور می‌کردند. بعد از اشغال تهران این جاده در اختیار عموم قرار گرفت. رضاشاه برای آنکه این خیابان طولانی‌تر از سایر خیابان‌ها متمایز کند از کفیل بلدی به درخواست کرد دو طرف خیابان را با درخت چنار تزئین کند. بوذرجمهر، ۱۱ هزار چنار را که کمتر از ۱۰ سال داشتند، دو طرف خیابان کاشت و با حفر دو حلقه چاه در محمديه آنها را سیراب کرد. طولی نکشید که این خیابان مهم‌ترین خیابان پایتخت شد. سال ۱۳۰۷ خورشیدی سرتیپ بوذرجمهری برای نخستین بار ضوابطی را برای احداث بنا در دو سوی این خیابان اعلان و اجرا کرد. این آیین‌نامه تا حدودی نمای ساختمان و نوع مصالح و تعداد طبقات و شیوه کار را به لحاظ معماری و ساخت تعیین می‌کرد.» این خیابان بعد از انقلاب اسلامی به ولیعصر (عج) تغییر نام یافت.



راز قتل خدمتکاران عبادتگاه



موضوع: عبادتگاه زرتشتی‌ها

موقعیت: محله امیریه، خیابان زیان‌پناه

عبادتگاه «ورهرام ایزد» محله امیریه نه تنها یک عبادتگاه معنوی برای زرتشتیان مقیم تهران بلکه مکانی است برای دورهمی همشهریان زرتشتی به‌خصوص در ایام نوروز که درهای عبادتگاه باز است و دیدوبازدیدها شیرین‌تر و بیشتر. محمدفیروز شیبانی، از ساکنان قدیمی محله امیریه می‌گوید: «این عبادتگاه یک خانه مسکونی بود که مالکش آن را برای عبادت زرتشتیان اهدا کرد. در ایام نوروز رفت‌وآمد به این عبادتگاه زیاد است و برنام‌های سنتی و خاص زرتشتیان در آنجا انجام می‌شود.» معماری این بنا قدیمی بسیار ساده است. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه که خود از اهالی قدیمی امیریه است می‌گوید: «این بنا سال ۱۳۲۹ ساخته شد. البته بعدها تغییراتی هم کرد ولی همچنان سادگی خود را حفظ کرده است. قبلاً ساختمان گلی بود و کوچک‌تر. این باور که در عبادتگاه‌ها و زیارتگاه‌ها به‌واسطه ندی مردم پول و اشیای قیمتی وجود دارد باعث شد سال‌ها قبل دو کارگری که آنجا مشغول کار بودند شبانه وارد عبادتگاه شوند و بعد از درگیری با دو بانویی که خدمتکار عبادتگاه بودند آنها را به قتل برسانند. نذر شاه ورهرام ایزد از نذرهای معروف زرتشتیان است که مراسم آن در این عبادتگاه انجام می‌شود. در این مجلس با شیرینی و خوردنی‌های شیرین که با روغن خاص پخته می‌شود از مهمانان پذیرایی می‌کنند.»

